

مدیریت زمان در خانواده‌های طبقات متفاوت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

دکتر مرتضی منادی*

چکیده:

نتایج پژوهش‌های مختلف در مورد چگونگی وضع موجود خانواده‌ها بیانگر آن است که، تفاوت‌های زیادی بین آنها وجود دارد. از تفاوت‌های عمده در حوزه خانواده وجود زمان‌ها، فضاها، فرهنگی و فعالیت‌های مختلف خانواده است. به عبارت دیگر، مشغولیت‌های دائمی و روزمره خانواده غیر از کار روزانه بسیار مهم هستند. چون، هر نوع مشغولیت، فضای فرهنگی خاصی را همراه دارد که در چگونگی فضای فرهنگی حاکم بر خانواده تأثیر خواهد گذاشت. عوامل تفاوت‌زا شامل وضعیت اقتصادی، جایگاه والدین در جامعه و سرمایه‌های فرهنگی آنها می‌شود. در این پژوهش، با ۴۴ خانواده‌ای که در دو منطقه شمال و جنوب تهران به صورت تصادفی انتخاب شدند، مصاحبه انجام شد. نتایج بدست آمده از این پژوهش کیفی حاکی است که، از سویی گذران اوقات والدین با کار روزانه، متفاوت بوده و در ارتباط با وضعیت فرهنگی و اجتماعی آنها می‌باشد. از سوی دیگر، رابطه تنگاتنگی بین مطالعه، گفتگو، تماشای برنامه‌های بحث و میزگرد و کارشناسی تلویزیون مانند: برنامه‌های خانواده و بهداشتی وجود دارد. وضعیت اقتصادی خانواده‌ها در این پژوهش نقش مهمی نداشتند.

کلید واژه‌ها: مدیریت زمان، فضای فرهنگی، سرمایه‌های فرهنگی، روزمره‌گی، خانواده.

مقدمه

خانواده، نخستین و کهن‌ترین نهاد بشری است. این نهاد همیشه توجه متفکران، پژوهشگران، متخصصان مختلف علوم انسانی را از دیدگاه‌های متفاوت جهت شناخت بهتر و دقیق‌تر به خود جلب کرده است (لو پلی، ۱۹۸۹). خانواده به عنوان اولین آموزشگاه بشری (محسنی، ۱۳۷۱) بر اساس نوع رابطه با فرزندان (ژیفو، لووسور، ۱۹۹۵) بیشترین تأثیر را اولاً، بر چگونگی شخصیت روانی، اجتماعی و فرهنگی (پروین، ۱۳۷۴؛ مینوچین، ۱۳۷۵؛ پیازه، ۱۹۸۹) آنها داشته، ثانیاً به صورت غیرمستقیم جامعه را متأثر از نوع روابط و فرهنگ خود می‌کند (ستیر، ۱۳۸۰؛ باون لوگرو، ۱۹۹۶).

در واقع، تغییرات در خانواده به مرور زمان فرزندان را تغییر داده، با ورود آنها به جامعه، جامعه دگرگون خواهد شد. به عبارتی، می‌توان گفت که سلامت خانواده سلامت جامعه را می‌رساند (دکوره، ۱۹۹۸).

بدون شک خانواده نیز خود تحت تأثیر جامعه (سی شولی، ۱۹۹۸؛ شیخوندی، ۱۳۷۹)؛ نهادهای مختلف اجتماعی از جمله، رسانه‌ها است (هولاب، ۱۳۷۸).

پژوهش‌ها بیانگر این نکته هستند که، خانواده‌ها مانند یکدیگر نبوده و مشابه هم عمل نمی‌کنند. چون فقط یک نوع خانواده وجود ندارد (کاستلان، ۱۹۸۶: ۷). خانواده‌ها، ارزش‌های متفاوتی دارند. از فرهنگ‌های متفاوتی برخوردار هستند. جایگاه یکسانی در سطح جامعه ندارند. از وضعیت اقتصادی یکسانی برخوردار نیستند. روابط مشابهی ندارند، یعنی مرد سالاری، زن سالاری، و یا مشارکت در مدیریت خانواده از دیگر عناصر تفاوت در درون خانواده‌ها است. به طور کلی در سطح یک جامعه خانواده‌ها از نقطه نظر جایگاه مرد، زن و فرزند، نوع رابطه با هم، طبقه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و عناصر دیگر فرق می‌کنند (سینگلی، ۱۹۹۶).

یکی از تفاوت‌های عمده در حوزه خانواده وجود زمان‌ها (لوفور، ۱۹۸۹) و فعالیت‌های مختلف خانواده است. به عبارت دیگر، فعالیت‌های دائمی و روزمره خانواده (برجه و لوکمان، ۱۹۸۶) غیر از کار روزانه بسیار مهم هستند. چون، هر نوع فعالیت، فضای فرهنگی (بورديو، ۱۳۸۰) خاصی را طلب می‌کند، که در چگونگی فضای فرهنگی حاکم بر خانواده تأثیر خواهد گذاشت.

بدیهی است که خانواده‌ها دارای فعالیت‌های متفاوت هستند. عوامل تفاوت‌زا و تأثیرگذار در خانواده: وضعیت اقتصادی، نوع شغل، جایگاه والدین در جامعه (نیک‌گهر، ۱۳۶۹) و سرمایه‌های فرهنگی (بورديو، ۱۹۸۹) آنها می‌باشد. یکی از اهداف این پژوهش، شناخت زمان‌های مختلف والدین و فضای فرهنگی حاکم بر خانواده است به عبارت دیگر، توجه به زندگی روزمره خانواده (برجه و لوکمان، ۱۹۸۱)، قرارداد و توافق (روسو، ۱۳۵۲) ما بین زن و شوهر جهت اداره زندگی بر اساس ارزش‌ها، هنجارها و قوانین مورد قبول طرفین، معنی و مفاهیمی (مید، ۱۹۶۳) که افراد خانواده در زندگی روزمره خود به کار می‌برند، از مواردی است که در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد.

این مفاهیم و به دنبال آنها شاخص‌ها و واقعیت‌های عینی را می‌توان در: رفتارها، فعالیت‌های روزمره، حتی اشیاء مورد استفاده (دو لوز، ۱۹۹۷)، اظهارنظرهای افراد (موسکوویچی، ۱۹۸۹)، فضاها و کنش-هایشان (بورديو، ۱۹۸۹) در مواقع و زمان‌های مختلف زندگی مشاهده کرد.

تحلیل نظری

خانواده را نمی‌توان به سادگی و فقط از یک بعد مورد بررسی و مطالعه قرار داد. شرایط اقتصادی، ویژگی‌های فرهنگی هر یک از زوجها، تعاریف و تصورات هر یک از زوجین از زندگی، (منادی، ۱۳۸۳) انتظارات و توقعات آنها و رفتارهای هر یک از دیدگاه‌های مختلف قابل تعمق و بررسی می‌باشند. برای درک و شناخت بهتر آنچه که در درون خانواده می‌گذرد، از نظریه جامعه‌شناسی شناخت استفاده شد. از آنجا که این پژوهش کیفی است، تست نظریه‌ای بیان نشده، بلکه بعد از جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز، از نظریه‌های شناخت استفاده شد.

هدف جامعه‌شناسی شناخت، مطالعه پیرامون واقعیت‌های موجود در جامعه و شناسایی این واقعیت‌ها توسط مردم است (برجه و لوکمان، ۱۹۸۶). به عنوان مثال در مورد مفهوم آزادی، جامعه‌شناسی شناخت-گرا مایل است بداند چگونه مفهوم آزادی در یک جامعه به صورت امر مسلمی فرض می‌شود و در جامعه‌های دیگر این‌گونه نیست؟ چگونه واقعیت آن در یک جامعه محفوظ می‌ماند و در جامعه‌های دیگر بدست فراموشی سپرده می‌شود؟ از این رو علاقه جامعه‌شناسانه به پرسش‌های مربوط به واقعیت و شناسایی اصولاً به اعتبار نسبی اجتماعی آنها قابل توجیه است. (همان منبع: ۹)

از دیگر نکات و مفاهیم مهم جامعه‌شناسی شناخت که در پدیدارشناسی اجتماعی رشد بیشتری پیدا کرده است، مفهوم روزمره‌گی است. توجه به زندگی روزمره انسان یعنی توجه به تمامی فعالیت‌های عادی و همیشگی که یک انسان در طول روز انجام می‌دهد، نه موقعیت‌های استثنایی و شرایط منحصر به فردی که دائمی نیستند. فعالیت‌های عادی، در واقع توجه به زمان‌ها و فضاها واقعی که پیرامون فرد وجود دارد، است. این فضاها به صورت خصوصی و یا عمومی (هولاب، ۱۳۷۸) پیرامون فرد شکل می‌گیرند، که هر دو اجتماعی هستند. از این جهت که هر دو فضای خصوصی و عمومی در ارتباط با دیگری (برجه و لوکمان، ۱۹۸۶) به وجود می‌آیند.

زندگی روزمره خانواده‌ها نیز در گذر از فعالیت‌های روزمره آنها یعنی کارکردن، تفریح و غیره، قابل شناسایی است. افکار و عقاید آنها نیز در گفته‌ها و اظهارنظر آنها قابل رؤیت می‌باشد. توجه به افکار و رفتارهای روزمره انسان توسط جامعه‌شناسان به اشکال و مفاهیم متفاوتی طرح و بررسی شده است. هانری لوفور، فیلسوف و جامعه‌شناس فرانسوی از مفهوم زمان (لوفور، ۱۹۶۲ و ۱۹۸۹) استفاده کرده، افکار و رفتار انسان‌ها را در چهارچوب زمان‌های آنها می‌بیند. پی‌یر بورديو جامعه‌شناس دیگر فرانسوی از مفاهیم فضا و میدان (بورديو، ۱۳۸۰) جهت معرفی محیط پیرامون انسان استفاده کرد.

بنابراین، یکی از نکاتی که در درون کانون خانواده‌ها قابل رؤیت و تعمق است، مسئله زمان با هم بودن اعضا خانواده و انواع فعالیت‌های آنها است. در این زمینه نیز، تفاوت‌هایی بین خانواده‌ها وجود دارد. به این معنی که خانواده‌ها، زمان‌های یکسانی را از نظر کار، تفریح، گفتگو کردن، با هم بودن ندارند. وجود این تفاوت‌ها ناشی از طبقه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و تصورات آنها از مسائل مختلف از جمله از زندگی می‌باشد. سر منشأ اصلی تغییرات زمان‌های مختلف، طبقه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده‌ها است. با توجه به نظریهٔ زمان^۱، دو نوع زمان وجود دارد. زمانی (Temps) که قابل اندازه‌گیری باشد، مانند زمان کلاس درس که از ساعت مشخصی شروع شده و ساعت مشخصی تمام می‌شود. این زمان تحت عنوان جامعه‌شناسی زمان مطرح می‌شود (الیاس، ۱۹۹۹). منظور ما از زمان (Moment) در این مقاله، مجموعه لحظاتی است که یک فضای ارزشی و کاری خاصی را مطرح می‌کند (لوفور، ۱۹۸۹). مثلاً ممکن است فرد در زمان و در حال غذا خوردن باشد اما در ضمن غذا خوردن در حال اندیشیدن به کاری و یا گفتگو با کسی باشد. بنابراین، فضای واقعی یا زمان اصلی در این موقعیت، زمان فکر کردن و یا گفتگو کردن است.

انسان‌ها دارای زمان‌های متفاوتی می‌باشند: زمان کار، استراحت، محبت کردن، عشق ورزیدن، غذا خوردن و غیره. در بین زمان‌های یاد شده، انسان دارای زمان آموزشی^۲ نیز است. رمی هس شاگرد و پیرو مکتب هانری لوفور، این زمان آموزشی را بر دیگر زمان‌های مطرح شده افزوده است. به گفته وی زمان آموزشی، زمانی است که فرد در محدوده آن به عمل یاد دادن و یاد گرفتن مشغول است. لذا، هیچ انسانی فاقد زمان آموزشی نیست، چرا که در هر حال، انسان آگاهانه یا ناآگاهانه، در حال یاد دادن یا یاد گرفتن است (هس، ۱۹۹۴).

رابطهٔ تنگاتنگی بین زمان و زندگی روزمره انسان وجود دارد. لوفور در این زمینه می‌گوید: «زمان‌ها، اصولاً با محتوی خود، یعنی اعمالی که طی آنها اتفاق می‌افتد، زندگی روزمره انسان را معرفی و بررسی می‌کنند و زندگی انسان نیز در عمل، زمان را معرفی می‌کند و نشان می‌دهد» (لوفور، ۱۹۶۲: ۳۵۵). زمان در زندگی روزمره، به‌طور عینی، توسط کنش‌ها و اعمال قابل رؤیت است.

طبق نظریه بورديو (بورديو، ۱۹۸۹)، سرمایه‌های فرهنگی^۳ هر فرد، نیروی محرکه اعمال اوست. منظور از سرمایه‌های فرهنگی طبق نظر بورديو ترکیبی از شناخت‌ها، آگاهی‌ها، آموزش‌ها و مدارک تحصیلی می‌باشد. این شناخت‌ها و آگاهی‌ها می‌توانند به‌طور آکادمیک در آموزشگاه‌ها کسب شده باشند و یا به‌طور خودآموز (Autodidacte) و غیرکلاسیک آموخته شده باشند. در هر صورت به زعم بورديو، سرمایه‌های فرهنگی مقوله‌هایی اکتسابی و آموختنی هستند (بورديو، ۱۹۸۹).

با توجه به اینکه در هر جامعه فرهنگ خاصی غالب است، یعنی ارزش‌ها و هنجارهای مخصوص به-خود دارد، زمان‌های خاصی نیز غالب می‌باشد؛ یعنی هر فرهنگی به زمان‌های خاصی اهمیت داده، در نتیجه آن زمان در بین اکثریت اعضا جامعه عمومیت بیشتری پیدا می‌کند. در جامعه ما به دلیل

جایگاه خاص مذهب، زمان عبادت و عزاداری از اهمیت خاصی برخوردار است؛ در جامعه‌ای مثل ژاپن، کارکردن و در دنیای غرب، زمان کار، تفریح و لذت بردن از همه لحظات زندگی، از اهمیت بالایی برخوردار است.

این نکته مهم نیز قابل تعمق است که، گاهی ضمیر انسان بر اساس تماس با محیط‌ها و فضاهای متفاوت دچار تغییر و دگرگونی می‌شود، بدون اینکه خود فرد در جریان این تغییر قرار گرفته باشد. به گفته لوفور در این حالت ضمیر انسان مسخ شده یا دست‌کاری شده است (لوفور، ۱۹۹۹). لذا، رفتارها و کنش‌های آنها نیز، تغییر و دگرگونی یافته و یا مسخ شده است. یعنی افراد، اعمالی را انجام می‌دهند بدون اینکه کاملاً واقف به رفتارهای خود، و یا نتیجه اعمال خود باشند. به عبارت دیگر، دارای زمان‌هایی می‌شوند که از محتوا و اهداف آن یقیناً اطلاع ندارند. با توجه به این نکته، می‌توان در جهت مثبت و پیشرفت افراد و پیشرفت جامعه و برای پاسخ به نیاز خاصی، با تأثیر گذاشتن بر اذهان افراد زمان‌های جدیدی را به وجود آورد یا محتوای زمان خاصی را دستکاری کرده یا تغییر داد.

منظور از زمان بر اساس اندیشه لوفور وجود جو و فضایی است که پیرامون هر انسانی در موقعیت‌های مشخص وجود دارد. بنابراین زمان و محتوی آن یعنی فضا و جو یا میدان^۴، مفهومی است که بورديو به کار می‌برد.

بر اساس تفکر بورديو می‌توان گفت، فضا یا میدان موقعیتی (یا محیطی فیزیکی) است که در درون آن، ارزش‌ها، آداب و قوانین خاص آن موقعیت حاکم است. این ارزش‌ها و قوانین می‌توانند از نوع اقتصادی، سیاسی و یا فرهنگی باشند، که به هر جهت دارای بار فرهنگی هستند. فضاهای فرهنگی توسط خود افراد جامعه ساخته می‌شوند (بورديو، ۱۳۸۰: ۳۲، ۴۷، ۷۴).

در این پژوهش مکان یا محیط خانواده، زمینه پژوهشی ما می‌باشد. خانواده‌ها دارای فضاهای متفاوتی می‌باشند. منظور از فضا، موقعیت (مید، ۱۹۶۳) و ویژگی خاصی است که در آن موقعیت شرکت‌کنندگان رفتاری همخوان و هماهنگ با آن موقعیت انجام می‌دهند.

فضاها در جامعه توسط مسئولین و در خانواده توسط والدین ساخته می‌شوند. به گفته بورديو « ساختن فضای اجتماعی، این واقعیت نامرئی که نه می‌توان آن را لمس کرد و نه می‌توان به سمت آن اشاره کرد، در عین حال رفتارها و تظاهرات عاملان اجتماعی را تنظیم می‌کند» (بورديو، ۱۳۸۰: ۳۹).

در خانواده، فضاهای فرهنگی و روانی در قالب شیوه‌های فرزندپروری متبلور می‌شوند. با توجه به تأکید ما بر فضای فرهنگی، خانواده‌ها دارای فضاهای یکسانی نمی‌باشند. البته تشابهات فرهنگی بین تعدادی از خانواده‌ها که طبقه اجتماعی را تشکیل می‌دهند، وجود دارد. از آنجایی که انسان‌ها متعلق به طبقات مختلف هستند، فضاهای متفاوتی دارند.

به گفته بورديو در اين زمينه «تطابقى ميان فضاي طبقات اجتماعى و فضاي رفتارى هر يك وجود دارد، مثلاً اينكه فضاي طبقه اجتماعى برتر، چه نوع ورزش‌ها، سرگرمى‌ها، نوشيدنى‌ها، گرايش‌هاى سياسى و غيره را ترجيح مى‌دهد» (بورديو، ۱۳۸۰: ۳۱).

بنابراين، چون افراد از طبقات مختلف اجتماعى هستند عادت‌واره‌هاى متفاوتى دارند. عادت‌واره يك محصول درونى كردن اصول و ارزش‌هاى فرهنگى فرد در طول زندگيش مى‌باشد. «عادت‌واره، اصل مولد و يكسان‌سازى رفتارها و افكار مى‌باشد، همچنين عامل معرفى‌كننده فرد بوده، چون تلاش مى‌كند در هر لحظه نشان بدهد شرح حال فكرى نظامى كه، وى محصول آن نظام مى‌باشد» (بورديو، ۱۹۷۲: ۱۹۸).

عادت‌واره‌هاى متفاوت حاصل ميدان‌ها يا فضاهاى متفاوتى هستند. فضاهاى مختلف نيز به نوبه خود عادت‌واره‌هاى مختلفى را توليد مى‌كنند. به گفته لوئيك واكر وانت «عادت‌واره به لحاظ درونى الهام‌بخش عمل و رويه است و درست به همين منوال ميدان به لحاظ بيرونى، كنش و بازنمود را سازمان مى‌دهد: ميدان گستره‌اى از مواضع و حركات ممكن را كه فرد مى‌تواند خود را با آن سازگار گرداند، در اختيار وى قرار مى‌دهد. بورديو رابطه ساختن بين عادت‌واره و ميدان، يعنى رابطه بين تاريخ تجسم‌يافته در كالدها به عنوان خلق و خو، و تاريخ عينيت يافته در اشياء كه به صورت نظام جاىگاه‌ها و موقعيت‌ها شكل يافته، را جاىگزين رابطه ساده و ابتدايى فرد و جامعه مى‌گرداند» (راب استونز، ۱۳۷۹: ۳۳۷).

در واقع عادت‌واره‌ها و ميدان‌ها يا فضاهاىي كه افراد در آن رشد مى‌كنند، سرمايه‌هاى متفاوتى را به همراه مى‌آورند يا توليد مى‌كنند. هر انسانى بر همين اساس فضاهاى اطراف خود را مى‌سازد. والدين، با عادت‌واره‌هاى شخصى خود و سرمايه‌هاىي كه در اختيار دارند، فضاهاىي را به صورت مشترك و مورد توافق (روسو، ۱۳۵۲) مى‌سازند. بورديو مى‌گويد: «براى ساختن الگوى فضاي اجتماعى، لازم و كافى است كه انواع مختلف سرمايه كه چگونگى توزيع آن تعيين‌كننده ساختار فضاي اجتماعى است، مورد بررسى قرار گيرد» (بورديو، ۱۳۸۰: ۴۸).

در اين زمان‌هاى فرهنگى به روايت لوفور يا فضاهاى فرهنگى به روايت بورديو است كه انسان پرورش يافته، رشد پيدا كرده و شخصيتش ساخته مى‌شود. به عبارتى «خود» (ميد، ۱۹۶۳) انسان در اين فضاها ساخته مى‌شود. خود به معنى وجود، يا ظرف شخصيت انسان است. با توجه به اينكه فضاهاى اطراف انسان‌ها يكسان نيستند، بنابراين خودهاى متفاوتى را نيز توليد خواهند كرد. به عبارت ديگر مى‌توان گفت كه اين زمان‌ها و فضاها كه محصول سرمايه‌هاى فرهنگى هستند، خود نيز سازندگان سرمايه‌هاى فرهنگى افراد خواهند شد (بورديو، ۱۹۸۹) در نتيجه تغييرات در يكي از اين عناصر، تغييرات در ديگرى را به دنبال خواهد داشت.

روش

این پژوهش با رویکرد کیفی (منادی الف، ۱۳۸۰) انجام شده است. یعنی نه قبل از شروع پژوهش و نه در طول آن پژوهشگر هیچ‌گونه پیش‌فرض ساختارمند شده‌ای را در ذهن نداشته است. به‌عبارت دیگر، بدون در نظر گرفتن فرضیه‌ای ساختارمند، ولی با اهداف کاملاً مشخص، ابتدا به شیوه مردم‌نگاری (به-عنوان پیش‌آزمون) اطلاعاتی جمع‌آوری (موس، ۱۹۹۲؛ وودز، ۱۹۹۰؛ لاپلانتین، ۲۰۰۰) و سپس آزمون نهایی انجام شد.

ابزارهای پژوهش

ابزار اندازه‌گیری این پژوهش، پرسشنامه محقق‌ساخته بوده که بر اساس مصاحبه‌های مردم‌نگاری که قبلاً در مورد خانواده صورت گرفت (منادی، ۱۳۸۰) بدست آمده و بنابر متغیرهای پژوهش تکمیل شده است. در مورد روایی آن با دو تن از جامعه‌شناسان در این حوزه مشورت شد. این پرسشنامه شامل حدود ۸۰ سؤال باز و تعدادی سؤال مربوط به اطلاعات عمومی می‌باشد.

سوالات باز شامل: نظرات زوجین پیرامون علم، زندگی، مذهب، سیاست، فرزند، هنر، جامعه، مشورت، وجود گفتگو، در جریان قرار دادن یکدیگر در مورد کار و امور مختلف زندگی، فعالیت و سرگرمی‌های مختلف و چگونگی رابطه با فرزندان بود.

شیوه اجرا

پژوهش خانواده و پژوهشی پیرامون فرهنگ جوانان (منادی، ۲۰۰۳) همزمان اجرا شد. این شیوه باعث شد هم از نتایج دو پژوهش استفاده شود و هم در انتخاب والدین مشکلی ایجاد نکند. در واقع از والدین همان دانش‌آموزان انتخاب شده، استفاده شد. بدین منظور، پس از انتخاب تصادفی ۴ دبیرستان دولتی دخترانه و پسرانه در شمال و جنوب تهران، مصاحبه‌هایی با دانش‌آموزان آنها، جهت پژوهش جوانان انجام شد. پس از مصاحبه نامه‌ای توسط مدیران دبیرستان‌ها برای والدین دانش‌آموزان مصاحبه شده، فرستاده شد. در نهایت تعداد مصاحبه‌های انجام یافته ۴۴ خانواده بود که بیست و دو خانواده در شمال و همین تعداد در جنوب بودند. آن‌گاه محتوای بدست آمده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

نتایج این پژوهش را به دلیل کیفی بودن و محدود بودن تعداد خانواده‌ها، نمی‌توان به کلیه خانواده‌های تهرانی تعمیم داد فقط در سطح طرح موضوع، قابل تعمق می‌باشد.

از بین چهل و چهار خانواده تعداد بیست و هفت زوج انجام مصاحبه را پذیرفتند. تعداد هفت پدر خانواده بدون حضور همسر و تعداد ده مادر خانواده بدون حضور شوهر مورد مصاحبه قرار گرفتند. در مجموع با تعداد سی و چهار پدر و تعداد سی و هفت مادر مصاحبه انجام شد. در این پژوهش مادرها بیشتر همکاری داشتند. با توجه به اهمیت وضعیت تحصیلی والدین، اولین جدول بیانگر بخشی از سرمایه‌های فرهنگی والدین می‌باشد. اطلاعات این جدول در مصاحبه با فرزندان‌شان بدست آمده، سپس توسط والدین در موقع مصاحبه با آنها تأیید شده است.

جدول شماره ۱: وضعیت تحصیلی پدرها و مادرها

جنس	مادر	مادر	پدر	پدر
تحصیلات	فراوانی	در صد	فراوانی	در صد
بی سواد	۱	٪۲	۱	٪۲
کمتر از دیپلم	۱۰	٪۲۳	۸	٪۱۸
دیپلم	۲۵	٪۵۷	۱۵	٪۳۴
دیپلم + حوزه	۲	٪۴	۰	۰
فوق دیپلم	۳	٪۷	۷	٪۱۶
لیسانس	۳	٪۷	۸	٪۱۸
فوق لیسانس	۰	۰	۲	٪۴،۵
دکتری	۰	۰	۳	٪۷
جمع	۴۴	٪۱۰۰	۴۴	٪۱۰۰

در سطح دیپلم، تعداد مادران دیپلمه بیشتر از پدران بود، از سطح لیسانس به بالا، پدرها بیشتر از مادرها تحصیلات دانشگاهی داشتند.

اولین زمان از محورهای مهم و اصلی این پژوهش، زمان صحبت کردن و گفتگوی والدین با یکدیگر و با فرزندان‌شان است. میزان گفتگو براساس پاسخ‌ها به چهار بخش: خوب، متوسط، کم، و اصلاً تقسیم شد. منظور از گفتگوی خوب: هر روز یک ساعت و بیشتر، متوسط: روزی کمتر از یک ساعت یا چند دقیقه یا هفته‌ای چند ساعت، و کم: گاهی در روز، یا هفته‌ای چند دقیقه مورد نظر بود.

جدول شماره ۲: گفتگوی پدرها و مادرها

جنس	گفتگو	خوب	متوسط	کم	اصلاً	جمع
پدر	فراوانی	۱۳	۸	۱۰	۳	۳۴
پدر	در صد	٪۳۸	٪۲۴	٪۲۹	٪۹	٪۱۰۰
مادر	فراوانی	۲۳	۸	۶	۰	۳۷
مادر	در صد	٪۶۲	٪۲۲	٪۱۶	۰	٪۱۰۰

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که مادرها، بیشترین صحبت کردن و میزان گفتگوی خوب را دارند (۶۲٪) در حالت متوسط با پدرها تقریباً برابر هستند (۲۴٪ و ۲۲٪) و فقط پدرها هستند که اصلاً گفتگو ندارند. در واقع مادرها بیشتر علاقه به صحبت داشته و حتی در جریان کار یکدیگر بودن، عامل مهمی است که رضایت مادرها را از زندگی افزایش می‌دهد (منادی، ۱۳۸۳).

از نظر تحصیلات، پدران از فوق دیپلم به بالا، بیشترین سطح گفتگوی کمی خوب را نسبت به سطوح دیگر تحصیلی داشتند (۸ نفر یا ۵۳٪) و گفتگوی کم از دیپلم به پایین دیده می‌شد. در حالی که مادرها، در سطح دیپلم بیشترین گفتگوی خوب را نسبت به بقیه سطوح داشتند (۱۴ نفر یا ۳۸٪).

از نظر شغل، پدرهای کارمند بیشترین گفتگوی کمی خوب (۱۸ نفر یا ۵۳٪) را نسبت به شغل آزاد داشتند. فقط یک مورد از پدرهای دارای شغل آزاد نمونه ما، گفتگوی خوب داشت. چون پدران دارای شغل آزاد زمان بیشتری را در خارج از خانه بودند.

مادران خانه‌دار بیشترین سطح گفتگوی خوب را (۱۸ نفر یا ۴۹٪) نسبت به زنان کارمند (۶ نفر یا ۱۶٪) داشتند.

از نظر درآمد، خانواده‌هایی با درآمدهای متوسط و متوسط خوب، بیشترین میزان گفتگوی خوب و متوسط را دارا بودند. مبنای درآمد والدین مورد مصاحبه به این صورت تعریف شد: درآمد کمتر از دویست هزار تومان، محروم؛ بین دویست الی چهارصد هزار تومان، متوسط ضعیف؛ بین چهارصد الی ششصد هزار تومان، متوسط؛ بین ششصد الی هشتصد هزار تومان، متوسط خوب؛ بین هشتصد الی یک میلیون و پانصد هزار تومان، خوب و از یک میلیون و پانصد هزار تومان به بالا مرفه.

دومین عامل مهم تفاوت در خانواده‌ها و در بین زوجین که از عناصر سرمایه‌های فرهنگی است و بر روی زمان گفتگو تأثیر دارد، میزان زمان مطالعه والدین است.

میزان مطالعه بر اساس پاسخ‌های والدین به چهار بخش خوب، متوسط، کم، و اصلاً تقسیم شد. منظور از مطالعه خوب: هر روز حداقل یک ساعت و بیشتر؛ متوسط: هفته‌ای چند ساعت و کم: گاهی در روز یا در هفته مورد نظر است.

جدول شماره ۳: زمان مطالعه در بین پدرها و مادرها

جنس	مطالعه	خوب	متوسط	کم	اصلاً	جمع
پدر	فراوانی	۸	۸	۱۳	۵	۳۴
پدر	در صد	۲۳،۵٪	۲۳،۵٪	۳۸٪	۱۵٪	۱۰۰٪
مادر	فراوانی	۹	۱۳	۱۱	۴	۳۷
مادر	در صد	۲۴٪	۳۵٪	۳۰٪	۱۱٪	۱۰۰٪

در سطح مطالعه خوب ضمن کم بودن میزان مطالعه (۲۳،۵٪ و ۲۴٪) پدرها و مادرها تقریباً برابرند. میزان مطالعه متوسط مادرها (۱۳ نفر یا ۳۵٪) بیشتر از پدرها (۸ نفر یا ۲۳،۵٪) است. مطالعه کم و اصلاً نزد پدرها و مادرها تقریباً یکسان بود.

از نظر تحصیلات، مادران در سطح دیپلم بیشترین بخش را به خود اختصاص داده‌اند، این موضوع در پدران یکسان بود. البته از سطح لیسانس و بالاتر مطالعات (در مادران و بیشتر در پدران) تخصصی می‌شود. از نظر شغل، کارمندان مرد (۲۱ پدر یا ۶۲٪) بیشتر از شغل آزاد مطالعه می‌کنند. در مادران، خانه-دارها بیشترین مطالعه را داشتند (۳۰ مادر یا ۸۱٪). در مورد درآمد، افراد خیلی محروم و مرفه کمتر مطالعه می‌کنند. در واقع از این نظر افراد با درآمد متوسط بیشتر از بقیه طبقات مطالعه دارند.

جدول شماره ۴: نوع مطالعه در بین پدرها و مادرها

جنس	پدر	پدر	مادر	مادر
نوع و میزان	فراوانی	در صد	فراوانی	در صد
رمان	۱	۳٪	۱۰	۲۷٪
علمی	۹	۲۶٪	۰	۰٪
شعر	۱	۳٪	۱	۲،۷٪
زبان	۰	۰٪	۰	۰٪
تاریخ	۵	۱۵٪	۳	۸٪
ادبیات	۳	۹٪	۳	۸٪
سیاسی	۸	۲۳،۵٪	۹	۲۴٪
روان‌شناسی	۱	۳٪	۷	۱۹٪
اجتماعی	۳	۹٪	۱	۲،۷٪
فلسفه	۰	۰٪	۱	۲،۷٪
دینی	۷	۲۰،۵٪	۱۱	۳۰٪
هیچ کدام	۵	۱۵٪	۴	۱۱٪

پدرها غالباً روزنامه و یا کتاب‌های تاریخی و ادبیات می‌خوانند. چون تعدادی از پدرها در ارتباط با تحصیلات خود کار می‌کنند، مطالعه علمی در راستای کار آنها است. در حالی که مادرها بیشتر مطالعات روان‌شناسی، خانواده و خواندن قرآن و مطالعات دینی دارند. همچنین مادران بیشتر از پدرها رمان می‌خوانند. زمان مهم دیگر در خانواده‌ها، زمان رسانه‌های تصویری است که مقدار زمان استفاده از تلویزیون و انتخاب نوع برنامه‌های تلویزیون و نیز تماشای ماهواره را در برمی‌گیرد. میزان تماشای تلویزیون بر اساس

پاسخ پدرها و مادرها به چهار بخش خیلی، متوسط، کم، و اصلاً تقسیم شد. منظور از تماشای خیلی: روزی حداقل سه ساعت و بیشتر؛ متوسط: روزی یک ساعت و کم: چند دقیقه در روز یا گاهی در هفته است.

جدول شماره ۵: استفاده از تلویزیون نزد پدرها و مادرها

ننس	لویزیون	بیلی	توسط	کم	صلا	ریال	بیزگرد	بزشش	ذهیبی	خبار
پدر	فراوانی	۴	۸	۱۹	۳	۱۶	۶	۵	۲	۲۱
پدر	در صد	٪۱۲	٪۲۳،۵	٪۵۶	٪۹	٪۴۷	٪۱۸	٪۱۵	٪۶	٪۶۲
مادر	فراوانی	۲۰	۵	۱۱	۱	۳۱	۱۰	۱	۳	۱۰
مادر	در صد	٪۵۴	٪۱۳،۵	٪۳۰	٪۲،۷	٪۸۴	٪۲۷	٪۲،۷	٪۸	٪۲۷

مادرها بیشتر از پدرها تلویزیون می‌بینند، این امری کاملاً طبیعی است. چون مادرها هم فرصت بیشتری دارند، و هم در خانه هستند (٪۵۴). مادرها بیشتر از پدرها سریال می‌بینند و کمتر میزگردها و بحث‌های کارشناسی و اخبار را پی‌گیری می‌کنند. در حالی که پدرها بیشتر از مادرها میزگردها و اخبار را می‌بینند. مادرهایی که بیشتر مطالعه می‌کردند بیشتر میزگردها، بحث‌های کارشناسی و اخبار را می‌دیدند. البته تعدادی از والدین فقط یک برنامه را نمی‌دیدند.

پدرها در سطح دیپلم و فوق دیپلم (٪۵۶) بیشتر از سطوح دیگر، تلویزیون (ماهواره) نگاه می‌کردند. از نظر شغل، پدران کارمند (٪۶۲) بیشتر فرصت تماشای تلویزیون را داشته، از نظر درآمد طبقه متوسط ضعیف بیشتر تلویزیون می‌بینند (٪۴۱).

مادرها در سطح دیپلم (٪۵۱) بیشتر از سطوح دیگر تلویزیون تماشا می‌کنند. زنان خانه‌دار (٪۹۵) بیشتر از زنان کارمند و طبقه متوسط ضعیف اقتصادی (٪۱۹) بیشتر از بقیه طبقات اقتصادی تلویزیون می‌بینند.

جدول شماره ۶: استفاده از ماهواره نزد پدرها و مادرها

جنس	ماهواره	خوب	بد	نمی‌شناسد	جمع
پدر	فراوانی	۲۶	۷	۱	۳۴
پدر	در صد	٪۷۶	٪۲۱	٪۳	٪۱۰۰
مادر	فراوانی	۲۹	۸	۰	۳۷
مادر	در صد	٪۷۸	٪۲۲	٪۰	٪۱۰۰

درصد زیادی از پدرها و مادرها ماهواره را وسیله‌ای خوب قلمداد کرده، معتقد هستند که اکثر مردم برنامه‌های بد ماهواره را می‌بینند. مادرها بیشتر از پدرها از برنامه‌های شو، مد و فیلم‌ها استفاده کرده، هر چند که زبان آن را متوجه نمی‌شوند. پدرها اخبار، مستندهایی مانند حیات وحش و شوها را می‌دیدند. غالب پدرها نیز زبان ماهواره را نمی‌دانستند. از نظر شغل، کارمندها بیشتر از بقیه در بین پدرها و از نظر درآمد در تمام طبقات غیر از طبقه محروم از ماهواره استفاده می‌کردند.

شنیدن یا نشنیدن موسیقی، میزان و نوع موسیقی فرهنگ و اندیشه شنیداری والدین را نشان می‌دهد. درواقع، موسیقی یک نوع فعالیت مهم فرهنگی است. بر اساس پاسخ والدین، میزان زمان شنیدن موسیقی به زیاد: یک ساعت الی یک ساعت و نیم در روز، متوسط: کمتر از یک ساعت در روز، کم: گاهی در روز و اصلاً تقسیم شده است.

جدول شماره ۷: استفاده از موسیقی نزد پدرها و مادرها

جنس	پدر	پدر	مادر	مادر
نوع و میزان	فراوانی	در صد	فراوانی	در صد
زیاد	۸	۲۳٫۵٪	۷	۱۹٪
متوسط	۱۰	۲۹٪	۸	۲۲٪
کم	۱۰	۲۹٪	۱۳	۳۵٪
اصلا	۶	۱۸٪	۹	۲۴٪
جمع	۳۴	۱۰۰٪	۳۷	۱۰۰٪
سنتی	۱۹	۵۶٪	۱۲	۳۲٪
پاپ	۱	۳٪	۸	۲۲٪
غربی	۰	۰٪	۴	۱۱٪
ترکیب	۹	۲۶٪	۷	۱۹٪

تقریباً پدرها و مادرها به یک اندازه و از یک نوع موسیقی استفاده می‌کردند. پدرها و مادرها وقت زیادی را به شنیدن موسیقی نمی‌پرداختند چون فرصت زیادی نداشتند. سطح تحصیلات چندان نقشی در این مورد نداشت. البته، مادران مذهبی خیلی کمتر از پدران مذهبی موسیقی گوش می‌کردند. درآمد پدرها و مادران در هر سطحی نقشی در شنیدن و یا نوع موسیقی نداشت.

هنر، یکی از عناصر شناخت هویت و از سرمایه‌های فرهنگی افراد جامعه است. درواقع، در گذر از هنر می‌توان به چگونگی فضاهای فرهنگی (بورديو، ۱۳۸۰) حاکم بر فرد به‌خصوص جامعه پی‌برد. البته در مواقعی افراد جامعه در جهت مسیر فرهنگ جامعه حرکت می‌کنند و در زمانی در جهت عکس (کلاین

برک، (۱۳۷۲). در هر حال یکی از مهمترین فعالیت‌های فرهنگی والدین، فعالیت هنری است که تعداد کمی بدان مشغول هستند. اکثر پدرها و مادرها فاقد فعالیت هنری بودند. در حالی که بیشتر آنها به-خصوص مادران از اینکه فعالیت هنری نداشتند ابراز تأسف می‌کردند.

جدول شماره ۸: فعالیت هنری پدرها و مادرها

جنس	پدر	پدر	مادر	مادر
نوع و میزان	فراوانی	در صد	فراوانی	در صد
خوش نویسی	۲	۶٪	۰	۰٪
داستان نویسی	۲	۶٪	۰	۰٪
گچ‌بری و نجاری	۳	۹٪	۰	۰٪
نقاشی	۲	۶٪	۳	۸٪
سفال‌گری	۲	۶٪	۰	۰٪
گلدوزی	۰	۰٪	۱	۲٫۷٪
خیاطی	۱	۳٪	۳	۸٪
گلسازی	۰	۰٪	۳	۸٪
آرایشگری	۰	۰٪	۱	۲٫۷٪
هیچ کدام	۲۲	۶۵٪	۲۶	۷۰٪
جمع	۳۴	۱۰۰٪	۳۷	۱۰۰٪

احساس نیاز، زمان و نوع ورزش نیز در شناخت سرمایه‌های فرهنگی والدین حائز اهمیت می‌باشد. زمان ورزش نزد والدین یکسان نیست چون والدین وقت کافی نداشته، عامل سن نیز در این مورد نقش ایفا می‌کند. ضمن اینکه فرهنگ ورزش هنوز در جامعه ما شکل نگرفته، داشتن اندام موزون دل-مشغولی افراد جامعه ما نمی‌باشد. فقط تعداد کمی از والدین به خاطر سلامت جسم ورزش می‌کنند. بر اساس پاسخ‌ها میزان ورزش نزد والدین، خیلی، ۳ ساعت در هفته؛ متوسط، کمتر از ۳ ساعت؛ کم، گاهی در هفته است. سطح تحصیلات در این مورد نقشی نداشته اما شناخت و آگاهی‌ها از طریق تلویزیون و ماهواره و یا حتی دستور پزشک در این مورد تأثیر داشت.

جدول شماره ۹: فعالیت ورزشی پدرها و مادرها

جنس نوع و میزان	پدر فراوانی	پدر در صد	مادر فراوانی	مادر در صد
زیاد	۷	۲۰٫۵٪	۶	۱۶٪
متوسط	۱۲	۳۵٪	۷	۱۹٪
کم	۶	۱۸٪	۱۳	۳۵٪
اصلاً	۹	۲۶٫۵٪	۱۱	۳۰٪
جمع	۳۴	۱۰۰٪	۳۷	۱۰۰٪
فوتبال	۲	۶٪	۰	۰٪
باستانی	۱	۳٪	۰	۰٪
شنا	۹	۲۶٪	۳	۸٪
پیاده‌روی	۱۰	۲۹٪	۱۷	۴۶٪
نرمش	۰	۰٪	۶	۱۶٪
بسکت	۱	۳٪	۰	۰٪
پینگ‌پونگ	۱	۳٪	۰	۰٪
بدنسازی	۱	۳٪	۲	۵٪
کوهنوردی	۴	۱۲٪	۱	۲٫۷٪

براساس جدول فوق، زمان‌های پدرها و مادرها در یک خانواده با هم متفاوت است. همچنین خانواده‌ها (پدرها و مادرها) نیز در مقایسه با هم دارای زمان‌های متفاوتی هستند. زمان‌های متفاوت در ارتباط با طبقات مختلف، به خصوص تحت تأثیر سرمایه‌های فرهنگی والدین می‌باشد.

بحث

خانواده‌ها دارای زمان‌های یکسانی نیستند. علائق، فعالیت‌ها، ارزش‌ها و جهان‌بینی‌های مختلفی (لوفور، ۱۹۷۶) دارند. چون از سطح تحصیلات، آگاهی، وضعیت اجتماعی و درآمد یکسانی برخوردار نیستند؛ فرهنگ و جهان‌بینی یا از سرمایه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی متفاوتی برخوردارند. در نتیجه زمان‌ها و فضاهای مختلف (لوفور، ۱۹۸۹؛ بوردیو، ۱۹۸۶) فرهنگی در خانواده وجود دارد. نتایج این پژوهش نشان داد که تعدادی از والدین در زندگی روزمره‌شان (برجه و لوکمان، ۱۹۸۶) مطالعه می‌کنند. تعدادی از آنها با یکدیگر و با فرزندان خود گفتگو می‌کنند. تعدادی از آنها تلویزیون می‌بینند اما از برنامه‌های یکسانی استفاده نمی‌کنند. اکثر آنها از ماهواره استفاده می‌کنند، ولی برنامه‌های متفاوتی را می‌بینند. تعدادی از آنها فعالیت‌های هنری یا فرهنگی خاصی دارند.

براساس نتایج این پژوهش می‌توان گفت رابطه تنگاتنگی بین مطالعه، گفتگو، تماشای برنامه‌های بحث و میزگرد و کارشناسی تلویزیون وجود دارد. اکثر این موارد در سطح دیپلم و فوق دیپلم دیده می‌شود. اما به‌طور قطع نمی‌توان گفت با بالا رفتن سطح تحصیلات مطالعه بیشتر شده یا گفتگو بهتر برقرار می‌شود. سطح درآمد بالا نیز نقش چندانی نداشت. به عبارت دیگر، یک چرخه سالم و یک چرخه معیوب در این راستا وجود دارد. به این صورت که خانواده‌هایی با سرمایه‌های فرهنگی بالاتر، دارای چرخه سالم هستند یعنی از طرفی با مطالعه، سطح شناخت بالاتر رفته و از طرف دیگر از رسانه‌ای مانند تلویزیون با تماشای برنامه‌های علمی و غنی، بهره بیشتری گرفته می‌شود. غالباً شناخت و آگاهی بیشتر، امکان برقراری گفتگو را بیشتر فراهم می‌کند. گفتگوی خوب و بادوام، نیاز به دانستن را در فرد افزایش داده، فرد را به سمت مطالعه بیشتر سوق می‌دهد. گذر از این مراحل و شرایط مطرح‌شده در گفتگوهای والدین که اهل مطالعه بودند، کاملاً مشهود بود. بنابراین یک عقلانیت مدیریت زمان به تعبیر وبر (۱۳۸۲) در ارتباط با این‌گونه خانواده‌ها مطرح می‌شود. بر عکس، خانواده‌هایی با سرمایه‌های فرهنگی پایین‌تر، یک چرخه ضعیف‌تری را دارند. مطالعه کمتر، به‌دنبال آن تماشای برنامه‌ها و سریال‌هایی با پیام‌های ساده و سطحی‌تر، مانع از رشد شناخت بیشتر آنها می‌شود. در چنین حالتی امکان گفتگوی مداوم و زیاد کمتر می‌شود. یعنی اطلاعات کافی در اختیار افراد جهت گفتگو وجود ندارد. عدم احساس کمبود، فرد را به سمت شناخت بیشتر سوق نمی‌دهد. این‌گونه است که فرد در چرخه مطالعه کم، تماشای برنامه‌های سطحی، نداشتن گفتگو، باقی می‌ماند.

زمان فعالیت هنری نیز در راستای سرمایه‌های فرهنگی والدین شکل می‌گیرد. هنرهایی چون نقاشی، سفالگری مانند مطالعه تأثیر سازنده‌ای در افراد داشت. در حالی که هنرهایی مانند گلدوزی یا گلسازی یا خیاطی بیشتر جنبه پرکردن وقت را داشت. ورزش تنها فعالیتی بود که با وجود اینکه تعداد کمی از افراد بدان می‌پرداختند کمتر جنبه فرهنگی داشت.

از سوی دیگر بر اساس نتایج بدست آمده، سرمایه‌های فرهنگی والدین بیشتر از سرمایه‌های اقتصادی و اجتماعی بر وجود و چگونگی زمان‌ها و فضاها فرهنگی تأثیر دارد.

پیشنهاد می‌شود، نقیصه چرخه ناسالم در پدرها و مادرها را به طرق مختلفی از جمله، رسانه‌ها به - خصوص رسانه تصویری آموزش داده و بر طرف کرد. به‌خصوص که مادران وقت زیادی را به استفاده از این رسانه اختصاص می‌دهند. در واقع، می‌بایستی خلق زمان‌های مفید جهت بهبود کیفیت زندگی را، به خانواده‌ها آموزش داد.

رسانه‌ها بهترین وسیله آموزش به والدین هستند. تا از این طریق، والدین بتوانند زمانها و یا فضاهایی را تولید کنند که، در بالا رفتن سطح سرمایه فرهنگی‌شان مفید واقع شود. به‌دنبال بالا رفتن سطح سرمایه - های فرهنگی والدین، گفتگو در خانواده‌ها بیشتر شده، محیط‌های سالم‌تر و آرامش بخش‌تری برای زوجین

و فرزندان مهیا خواهد شد. در نتیجه جامعه که متشکل از خانواده‌ها می‌باشد، از امنیت روانی بهتری برخوردار خواهد شد.

یادداشت‌ها

- | | |
|---------------------------|--------------------------------------|
| 1. Théorie du Moment | 4. Champ |
| 2. Le Moment Educative | 5. La Création du Moment ou du Champ |
| 3. Le capitale culturelle | |

منابع

- استونز، راب (۱۳۷۹). *متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*، ترجمه مهرداد میردامادی، نشر مرکز.
- بورديو، پی‌یر (۱۳۸۰). *نظریه کنش، دلایل عملی و انتخاب عقلانی*، ترجمه مرتضی مردیپا، انتشارات نقش و نگار.
- پروین، لارنس ای (۱۳۷۴). *روانشناسی شخصیت (نظریه و تحقیق)*، ترجمه محمد جعفر جوادی و پروین کدیور، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- روسو، ژان ژاک (۱۳۵۲). *قرار داد اجتماعی - اصول حقوق سیاسی*، ترجمه منوچهر کیا، چاپ دوم. انتشارات گنجینه.
- ستیر، ویرجینیا (۱۳۸۰). *آدم‌سازی، در روانشناسی خانواده*، ترجمه بهروز بیرشک، انتشارات رشد.
- شیخاوندی، داور (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی انحرافات و مسائل جامعه‌ی*، چاپ چهارم، نشر مردنیز.
- کرایب، یان (۱۳۷۸). *نظریه اجتماعی مدرن از پارسونز تا هابرماس*، ترجمه عباس مخبر، جلد دوم، انتشارات آگه.
- کلاین برگ، اتو (۱۳۷۲). *روانشناسی اجتماعی*، ترجمه علی محمد کاردان، تهران: نشر اندیشه.
- محسنی، منوچهر (۱۳۷۱). *مقدمات جامعه‌شناسی*، نشر چاپاک.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۰). *الف: روش‌های کیفی و کمی در پژوهش‌آموزی*. هم‌اندیشی و گفت‌وگوی گروهی استادان درباره پژوهش‌آموزی در دانشگاه‌ها، ۲۴ بهمن‌ماه، تهران: دانشگاه الزهراء.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۰). *ب: موانع اجتماعی و فرهنگی در گفتگوی بین جوانان و بزرگسالان*. همایش جایگاه گفت‌وگوی فرهنگ‌ها در بین قشرهای مختلف جامعه، انجمن جامعه‌شناسی ایران، مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها، ۹ اسفند ماه، بابلسر: دانشگاه مازندران.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۳). *تأثیر تصورات و تعاریف مشابه زوجین در رضایت از زندگی زناشویی از دیدگاه زنان*، مطالعات زنان، دانشگاه الزهراء، سال دوم، شماره ۴.
- مینوچین، سالوادور (۱۳۷۵). *خانواده و خانواده‌درمانی*، ترجمه باقر ثنائی، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- نیک‌گهر، عبدالحسین (۱۳۶۹). *مبانی جامعه‌شناسی*، انتشارات رایزن.
- ویر، ماکس (۱۳۸۲). *اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری*، ترجمه عبدالکریم رشیدیان و پریسا منوچهری کاشانی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- هولاب، رابرت؛ یورگن، هابرماس (۱۳۷۸). *نقد در حوزه عمومی*، ترجمه حسین بشیریه، نشر نی.
- Bavin-Legros Bernadette. (1996). Sociologie de la famille- Le lien familial sous questions. Avec la collaboration de Jean-Francois Stassen. De Boeck université.
- Berger Peter et Thomas Luckmann. (1986). La construction sociale de la réalité. Merdiens Klincksieck.

- Bourdieu Pierre. (1972). Esquisse d'une théorie de la pratique, précédée de trois études d'ethnologie Kabyle, Ed Droz. Genève
- Bourdieu Pierre. (1989). Le sens pratique Paris: Les éditions de Minuits.
- Castellan Yvonne. (1986). La famille, Que sais -je? No 1995.
- Cicchelli-Pugrault Catherine et Vincenzo Cicchelli. (1998). Les théories sociologiques de la famille. Paris: La Decouverte.
- Décoret Bruno. (1998). Familles. Paris: Anthropos.
- Elias Norbert. (1999). Du temps. Fayard.
- Giffo-Levasseur; Anne-Marie. (1995). Confrontation des familles et des institutions éducatives : une enquête dans une cité HLM. In : Ethnologie.
- Hess Rémi et Gabriel Weigand. (1994). La relation pédagogique. Armand Colin.
- Laplantine Francois. (2000). La description Ethnographique. Nathan, Université.
- Lefebvre Henri. (1962). Critique de la vie quotidienne, fondement d'une sociologie de la quotidienneté. L'Arche.
- Lefebvre Henri. (1989). La somme et le reste, Paris. Meridien Klincksieck.
- Lefebvre Henri et Norbert Guterman. (1999). La conscience mystifiée. Edition, Syllepse.
- Le Play Frédéric. (1989). La Méthode Sociale. Meridiens Klincksieck.
- Lourau René. (1981). L'Analyse Institutionnelle, éditions de Minuit.
- Luze Huber de. (1997). L'ethnométhodologie, Edition anthropos.
- Mauss Marcel. (1992). Manuel d'ethnographie. Petit bibliothèque Payot.
- Mead, Georges, Herbert. (1963). L'esprit, le soi, et la société, P.U.F.
- Monadi Mortéza. (2003). Souffrir de la dissociation interculturelle. Le cas des jeunes iraniens. (In) IX ème Congrès International de l'ARIC, Université de Picardie Jules Verne- Amiens (29 juin au 4 juillet 2003). France.
- Moscovici Serge. (1989). Des représentations collectives aux représentations sociales: éléments pour une histoire. (In) Jodelet D. Les représentations sociales, P.U.F.
- Piaget Jean. (1989). La Psychologie de l'enfant. Paris, P.U.F. Que sais-je?
- Woods Peter. (1990). L'ethnographie de l'école. Armand Collin.